

MARVEL

4

LGY#54

GHOST SPIDER

McGUIRE
MIYAZAWA
KÄMPE
HERRING



دورنام

dorname.ir

کاری از: کیوان داوند

RATED T \$3.99 US

زمین جی آی جی - دانشگاه امپایر استیسی.

گوئن استیسی،
گست اسپایدر با حالتی
غمگین و اندیشمند
حس می کنه سر کار گذاشته
شده.

اون کجاست؟



گوئن، اینجا
چیکار می کنی؟

قرار بود بنجی
رو اینجا ببینم تا بتونیم
درس مطالعات رسانه رو
با هم مرور کنیم.
تو اونو ندیدی؟

امروز نه.

آه.

کاستی ساتو.
رشته مهندسی.
غیر ابرقهرمان.



من که هستم. می تونم
کمکت کنم؟

نه تا زمانی
که اطلاعات
دائره المعارف گونه
از ورونیکا مارس
نداشته باشی.

نه، من
همیشه به
بازی تاج و تخت
علاقه داشتم.



تو و بنجی تو یه کلاس
نیستید؟ با پروفیسور
گوارینوس؟

بله.

بنجی
امروز اومده بود؟

نه.



مطمئنم داره تمدد اعصاب می گیره.
همه ما بعضی روزها به
استراحت نیاز داریم.

فکر کنم...

اون دختر
بزرگیه. مطمئنم
حالش خوبه.

ولی...

من باید
برم. فردا
می بینمت.



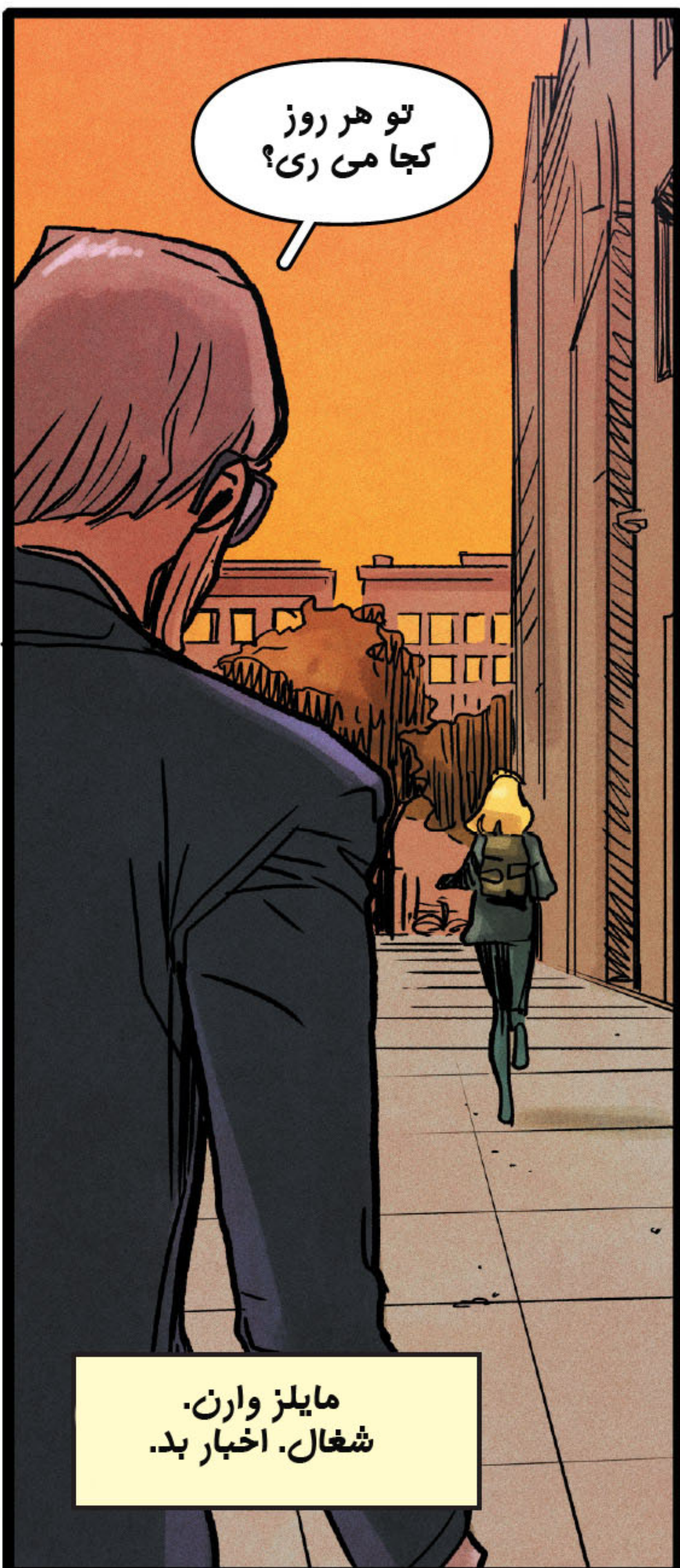
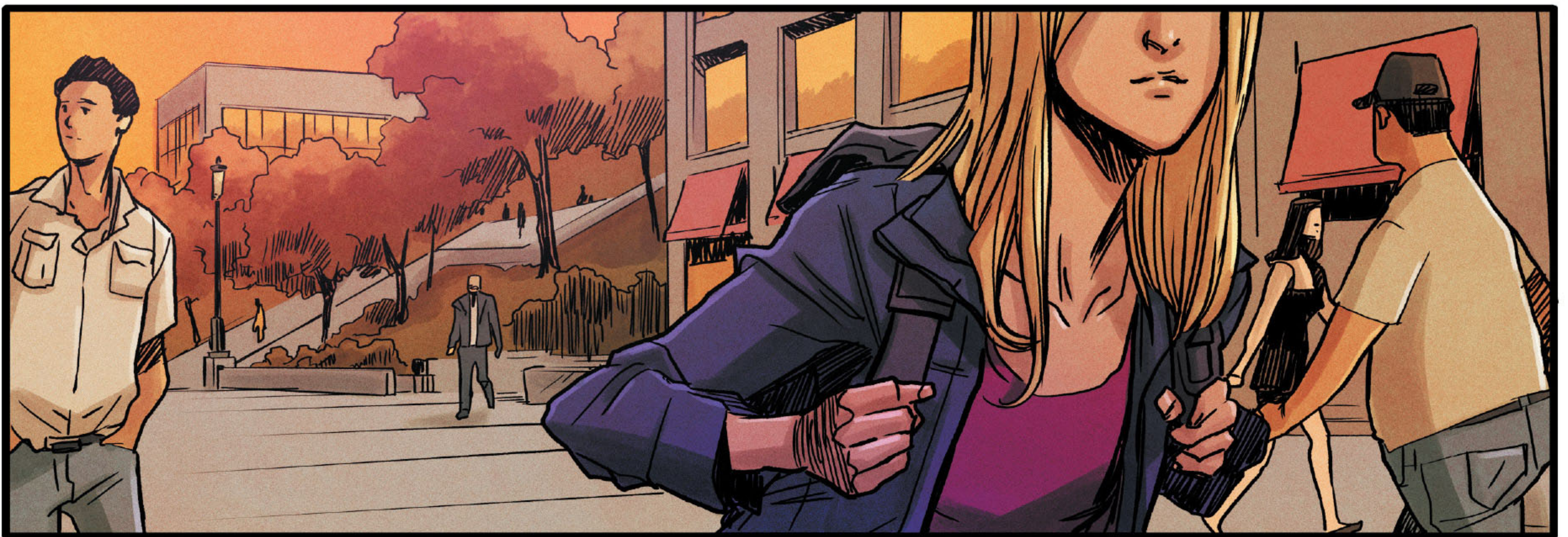


عالی شد. بنجی اینجا نیست. کاسئی داره از من فرار می کنه...

برنامه "دوستیابی من تو دانشگاه" مثل همیشه داره پیش می ره.



زودتر برم خونه به تکالیفم برسم و تمرینم رو زودتر شروع کنم... احتمالاًام جی خوشحال تر می شه.



تو هر روز کجا می ری؟

مایلز وارن. شغال. اخبار بد.



آه، زندگی جذابیه ابرقهرمان.

هیچکس بهم نگفت که اون عنکبوت کی می خواد منو نیش بزنه که منم با بوی غذای گندیده هماهنگش کنم.

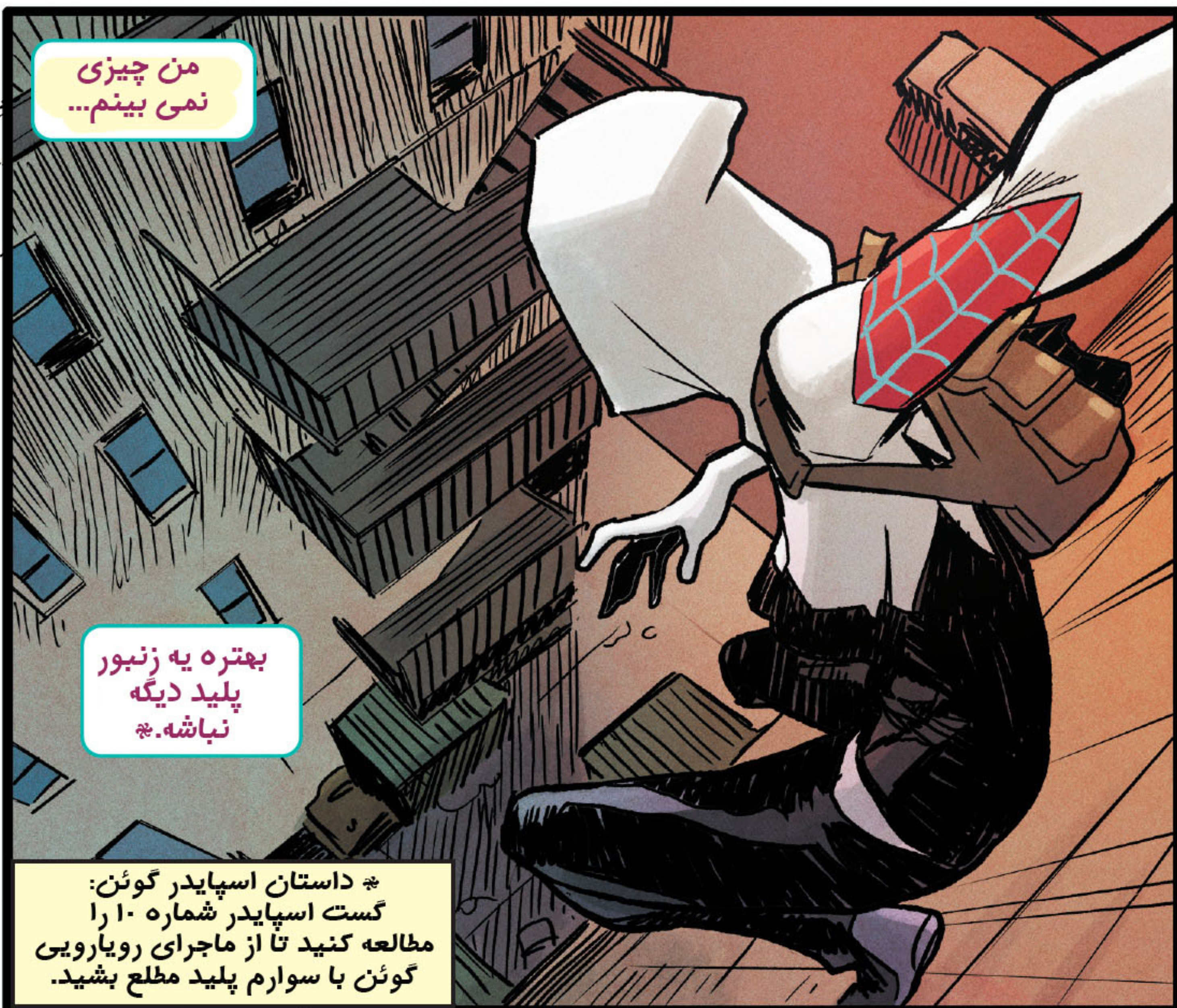


امیدوارم بنجی حالش خوب
باشه. اون اهل سرکار
گذاشتن نیست.

مطمئنم اتفاقی
افتاده.



چی...؟



من چیزی
نمی بینم...

بهتره به زنبور
پلید دیگه
نباشه.

❖ داستان اسپایدر گوئن:
گست اسپایدر شماره ۱۰ را
مطالعه کنید تا از ماجرای رویارویی
گوئن با سوارم پلید مطلع بشید.





اون از گردنبندش استفاده می کنه...



یه وسیله انتقال بین بعدها.

و لباسی مثل اسپایدرمن پوشیده. مثل اسپایدرمن عمل می کنه.



مهم نیست که شخص عنکبوتی بعد خودش باشه. اون هنوز گوئن اسپیسیه.

اون هنوز مال منه.



ممکنه هنوز خودش متوجه نشده باشه، ولی من همیشه تو سرنوشت اون بودم.

زمین جی اس.
خانه شیرین.



مدرسه عالی، ولی همیشه برگشتن به نیویورک واقعی عالی.

اینجا هوا بوی بهتری داره. و ابرشوره های کمتری داریم.



من هنوز نگران مرد گرگ نما هستم. دوست ندارم اون بیرون باشه.

تمرین گروه
موسیقی تا دو
ساعت دیگه شروع
نمی شه.

می تونم برم و
وضعیت یاغی رو چک
کنم و دیر نشه.



...یا می تونم به سمت
کلانتری تاب بخورم. این
یکی همیشه سرگرم کننده
است.



سلام
افسرا. کمکی
از دست من برمیاد؟

گست
اسپایدر!



اگه بگیم
آره، پدرت ناراحت
می شه.

پدرم
متوجه نمی شه
اگه به من سر نخ بدید.
چه اتفاقی افتاده؟

مردان
مسلح تو بخش
اورژانس.

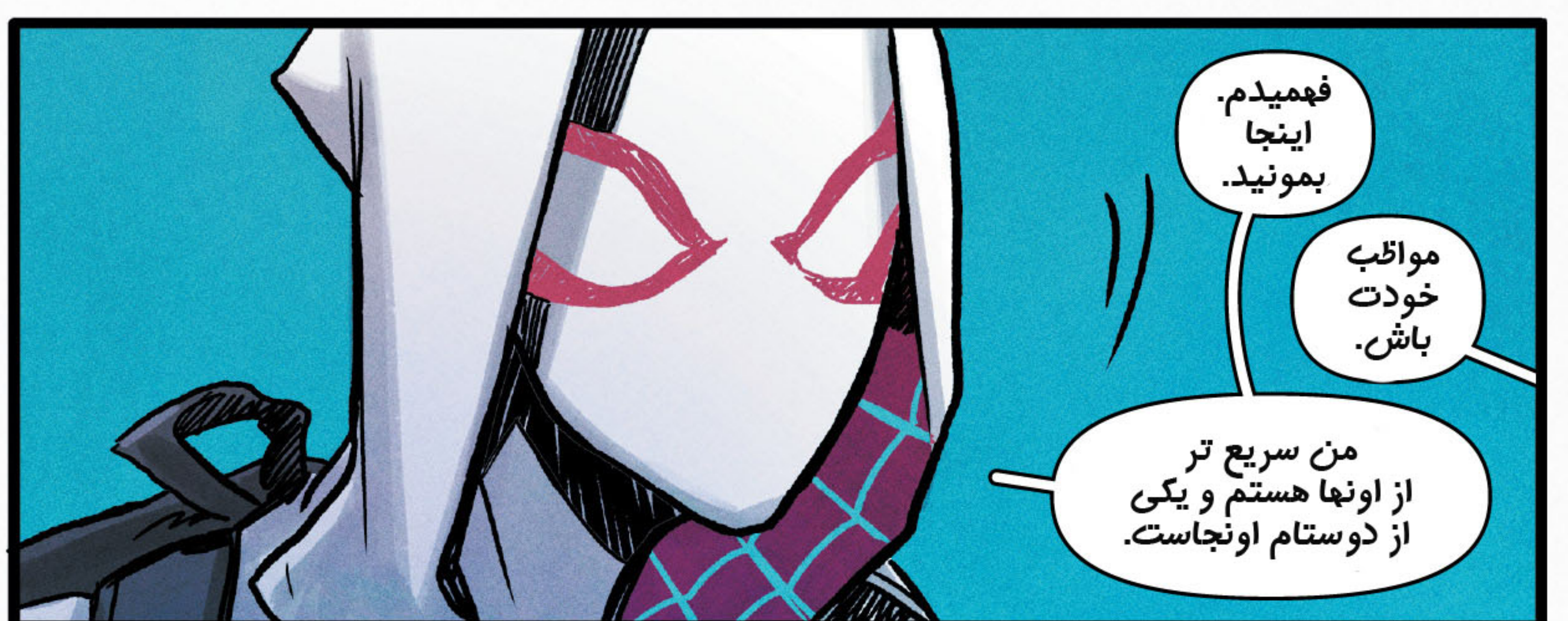


اونها فقط
اونجا ایستادن یا
این یه صحنه
گروگان گیری؟

گروگان گیری.

افسری رفته تو؟

هنوز نه.
یکی از اونها نگهبان
رو حین انجام وظیفه با
اسلحه زده.



فهمیدم.
اینجا
بمونید.

مواظب
خودت
باش.

من سریع تر
از اونها هستم و یکی
از دوستانم اونجاست.





ما بهت
گفتیم... اگه
کسی رو بفرستید
داخل، همه گروگان ها
رو می کشیم.

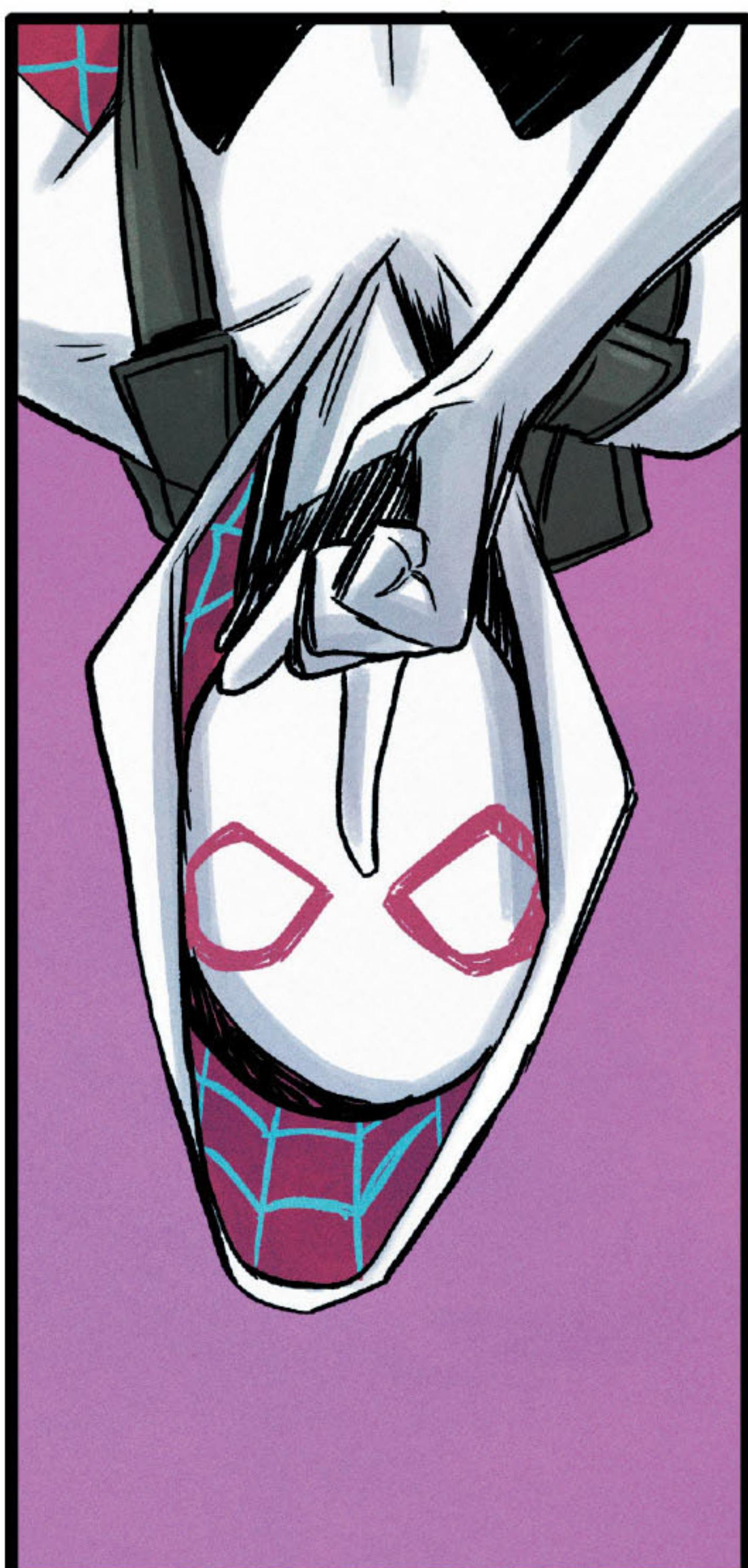
لطفاً...

پس اگه
سعی بکنید
قهرمان بازی در بیارید
حالا وقتشه که برگردید
و برید.



حتی تو این شرایط هم به
بالا نگاه نمی کنند.

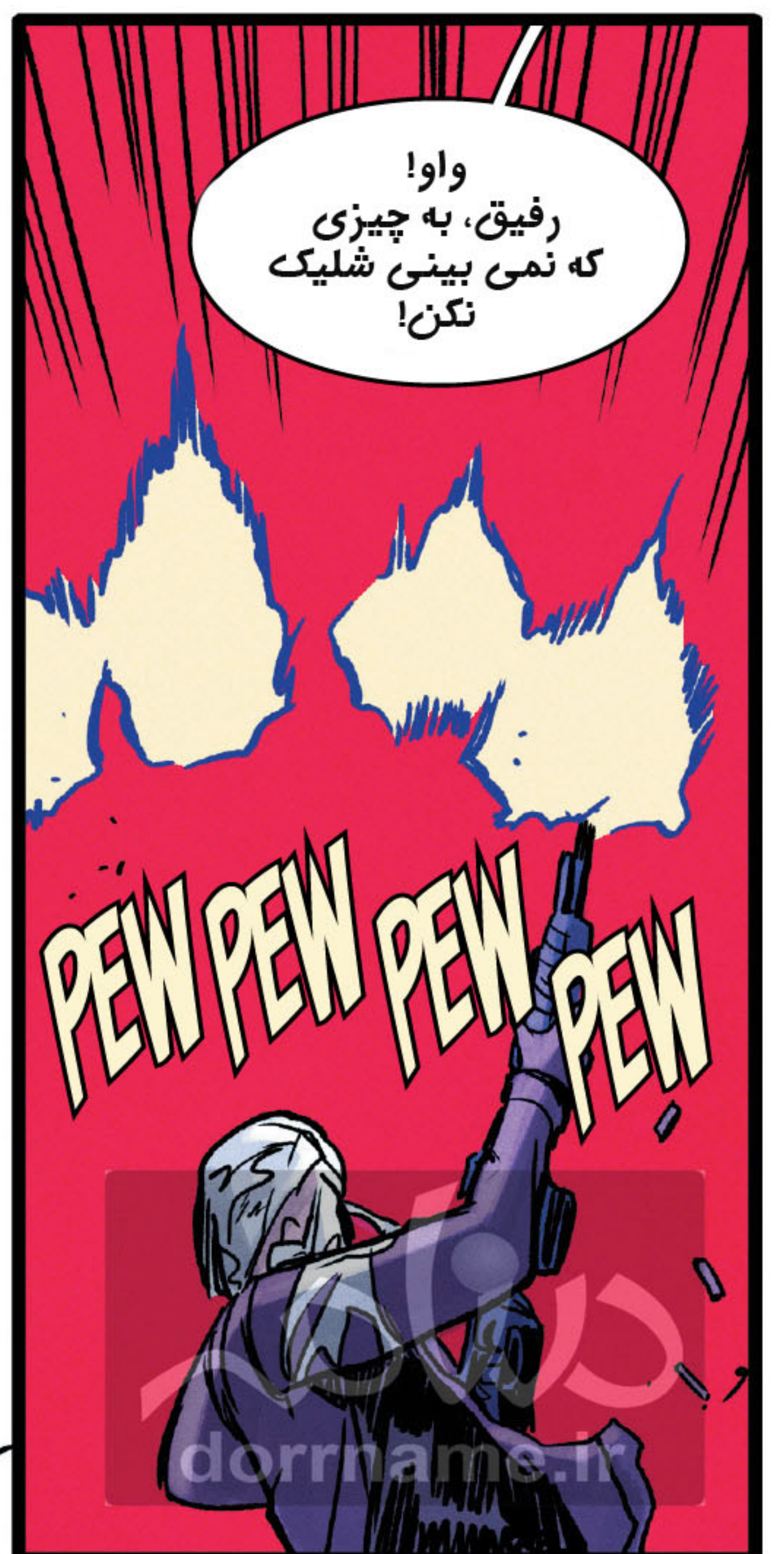
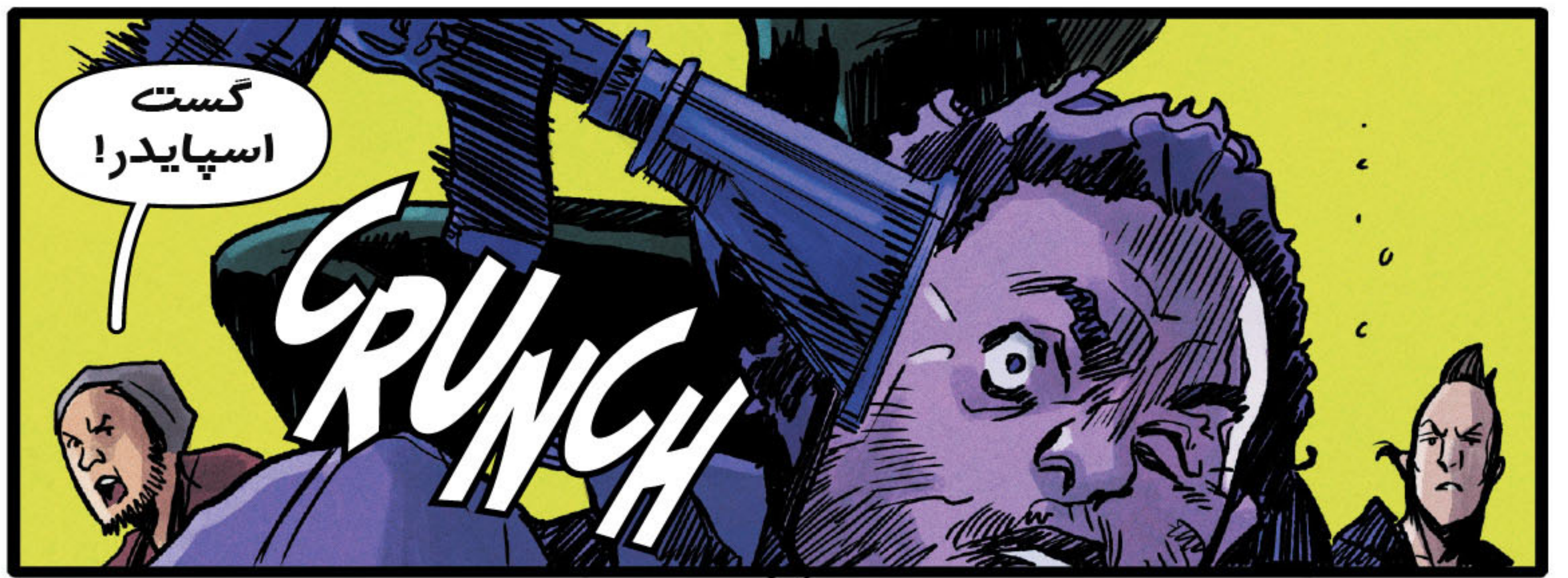
به نظر می رسه
گردنشون از کار
افتاده.



درهای
آشغال.



اینجا
هیچی
نیست.





احتیاطی کار با اسلحه رو یاد نمی دن؟! به شماها موارد

تازه کی رو دیدی که بیمارستان رو برای محل گروگانگیری انتخاب کنه؟



اگه صلاح کار خودت رو بدوی دست به اون اسلحه نمی زنی.

ب-ب-بله خانم.

حالا، بگو ببینم، چرا کارل شما رو به بیمارستان آورد؟



کسی اینجا دله دزدی شما رو نمی بینه.

ولی من اینجام. پس حرف بزن.



یکی از بچه های ما صدمه دیده. بیمارستان گزارش جراحات بر اثر شلیک گلوله رو به پلیس فرستاده.

فقط می خواستیم اونو بکشیم بیرون که مسائل از کنترل خارج شد.



گروگان گیری تو بیمارستان چیزی بیشتر از "از کنترل خارج شدن" اوضاعه.

همینجا بمون.



کسی
آسیبی
ندیده؟

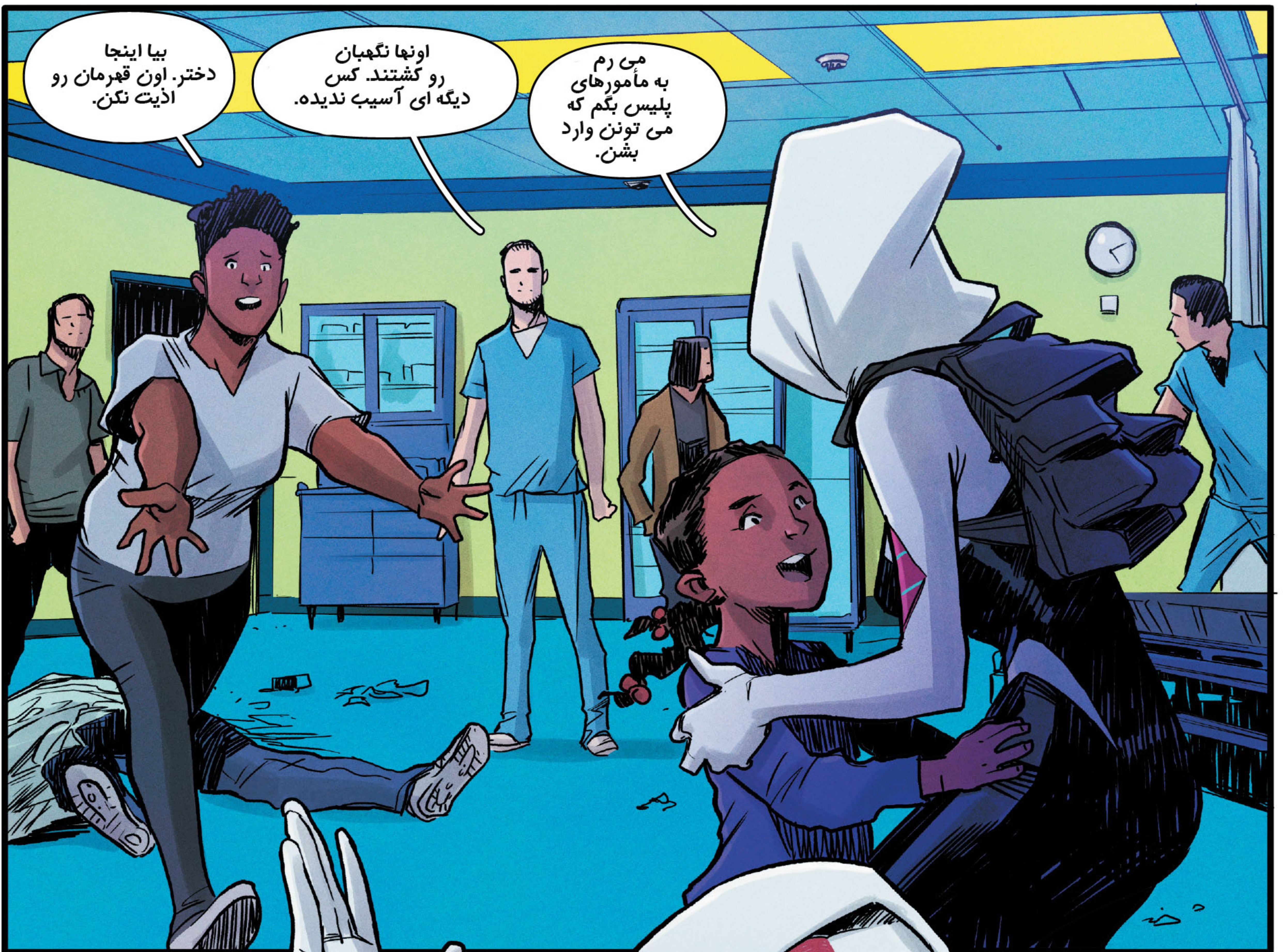
بیشتر از
زمانی که وارد بیمارستان
شدید؟

THWIP



آآم.

ممنونم
گست اسپایدر!



بیا اینجا
دختر. اون قهرمان رو
اذیت نکن.

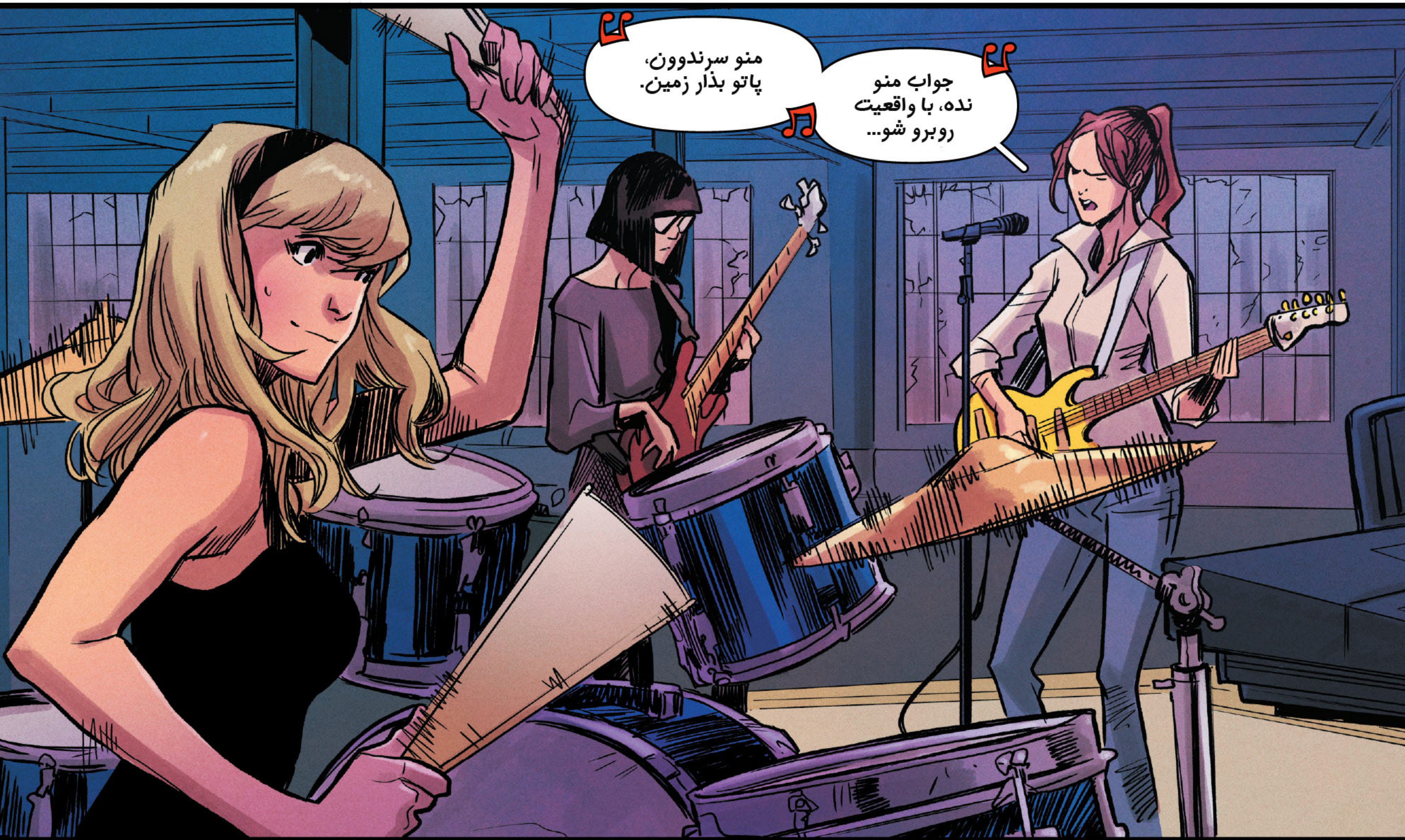
اونها نگهبان
رو کشتند. کس
دیگه ای آسیبی ندیده.

می رم
به مأمورهای
پلیس بگم که
می تونن وارد
باشن.

تا وقتی مرد گرگینه
رو متوقف نکردم، برای
مردم دردسر درست
می کنه.

ولی برای این کار اول
باید پیداش کنم.









کاسئو! بنجی رو پیدا کردی؟

نه، هنوز ندیدمش.

کجا داری می ری؟



مطالعات ریانه ای. جایی که قراره بخاطر انجام ندادن تکالیفم دچار مشکل بشم.

اگه بنجی رو دیدی، لطفاً بهش بگو از دستش عصبانی ام.

باشه، چشمامو باز نگه می دارم.

ولی مطمئنم حالش خوبه.



اون همیشه رفتارهای عجیب و غریب از خودش نشون می ده.



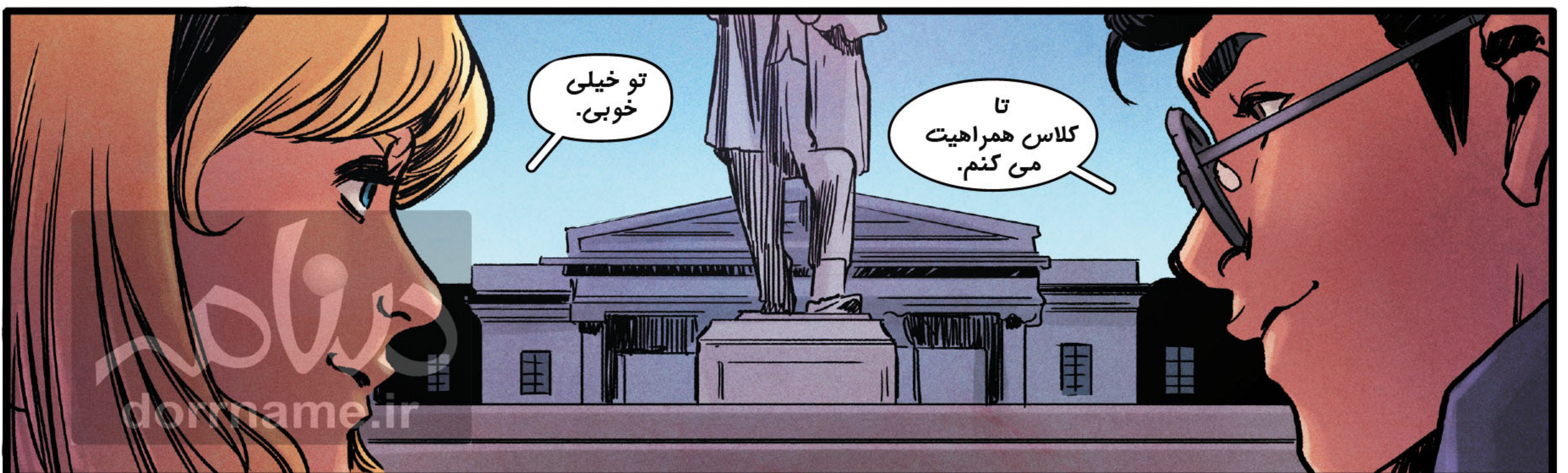
خیلی از دوستانم همینو در مورد منم می گن.

گوئن عجیب.

مطمئنم کسی تو رو اینجوری صدا نمی کنه.

چرا می گن. من همیشه دیر می رسم. هنوز با پدرم زندگی می کنم. اصلاً بزرگسالی رو نتونستم هضم کنم.

به نظرم کارت عالییه.



تو خیلی خوبی.

تا کلاس همراهیت می کنم.



چی شد؟



نمی تونم بهش بگم که تو کالج خودم احساس خطر می کنم.

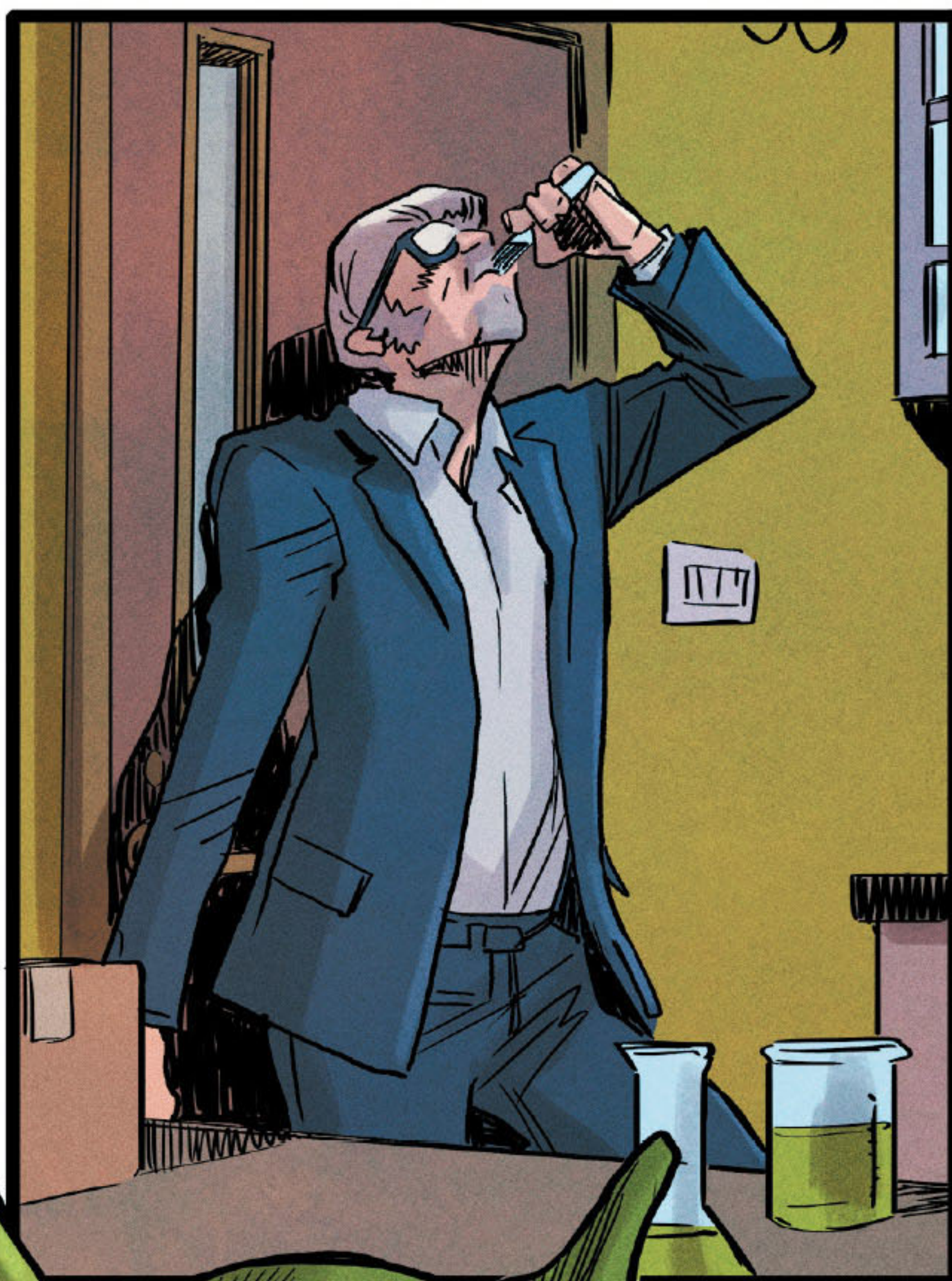
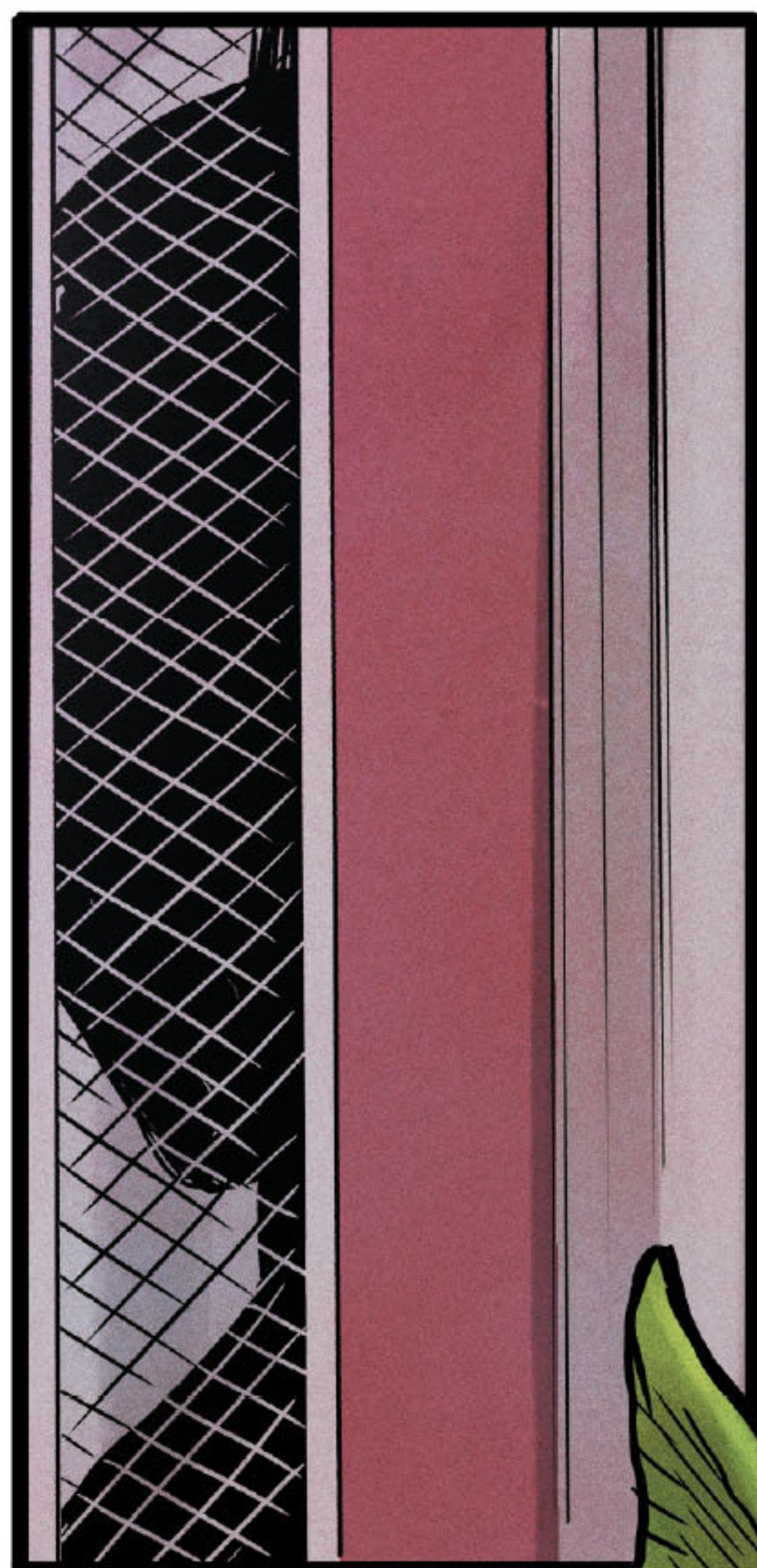
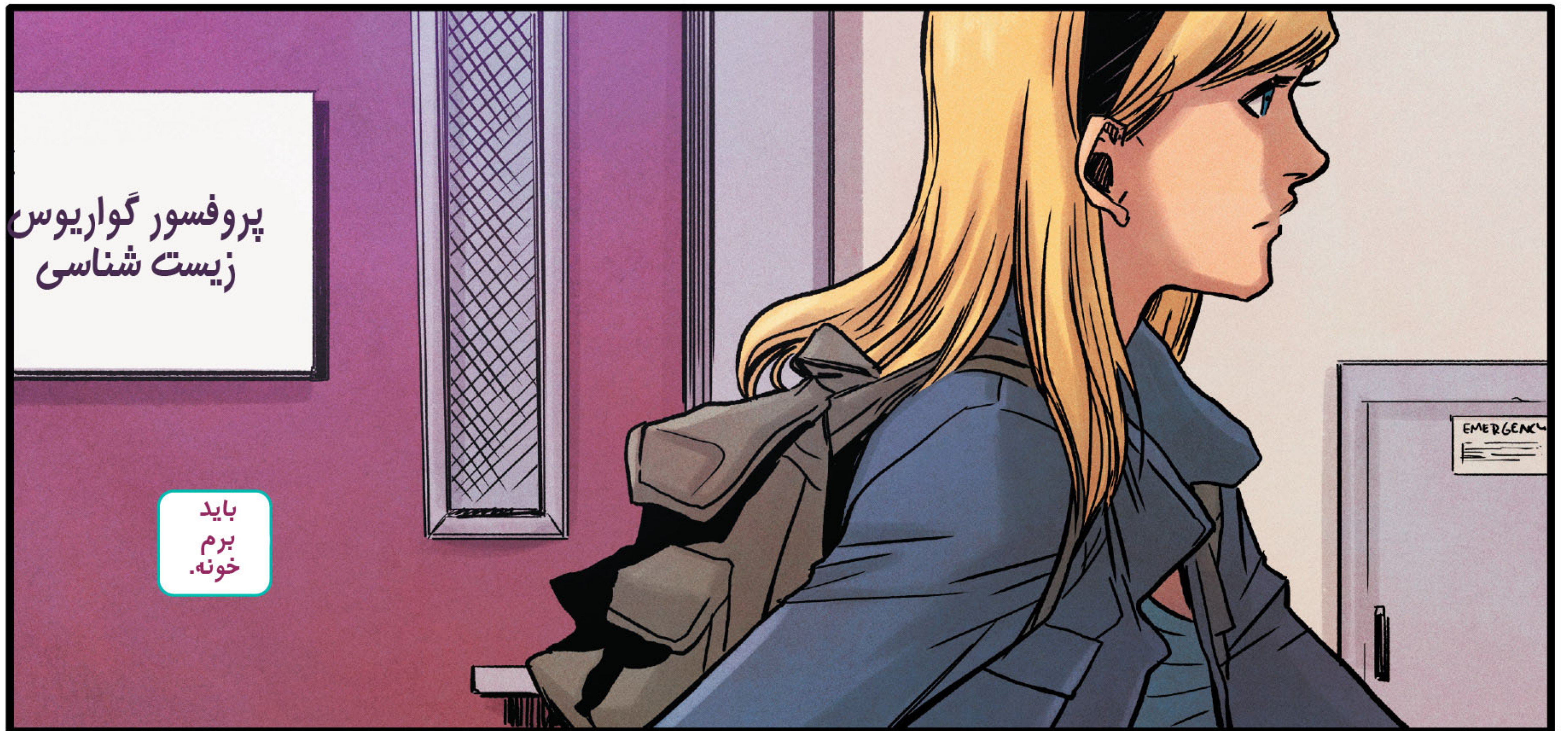
ولی اگه پیتر رو پیدا کنم می تونم بهش بگم.

باید برم مراقب چیزی باشم.



این همه فکر و حس عنکبوتی هم ول نمی کنه.

نمی تونم اینطوری برم سر کلاس. فکر کنم هر کسی می تونی به بار کلاس رو بیچونه.



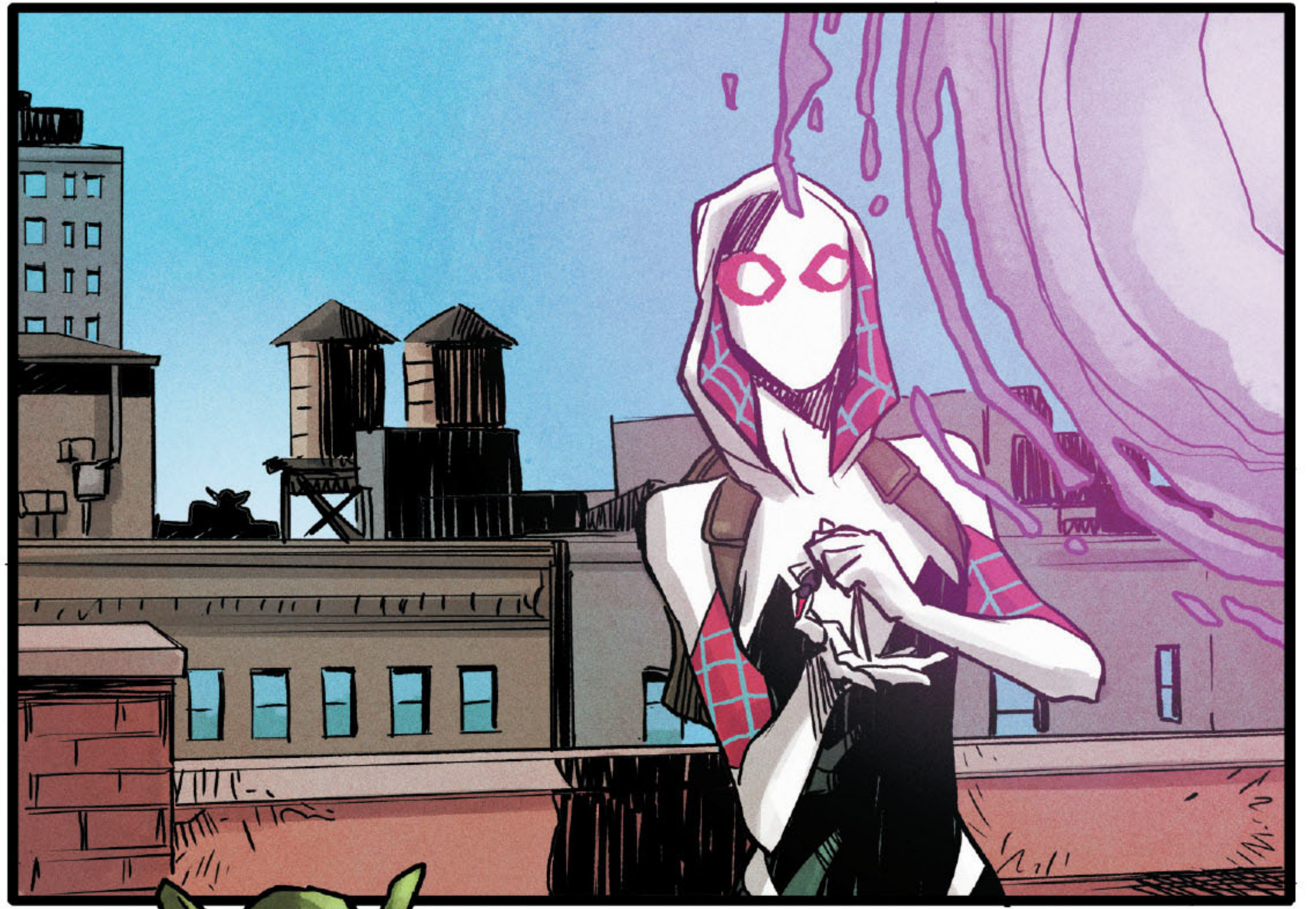


مردم الان
می تونن منو ببینن
ولی مهم نیست.
من خیلی نزدیک شدم.



خیلی وقته خانم
استیسی. یعنی
تو هم به همون اندازه
دلتنگی که من
دلتنگ تو هستم؟





پانزده ثانیه باید
زمان کافی باشه
که منو نبینه...



آآآآآآآآآآآآآآ...



یه کم کثیف
کار کردم. ولی
کار کرد. هر جا بره
تعقیبش می کنم.

همیشه
دنبالشم.

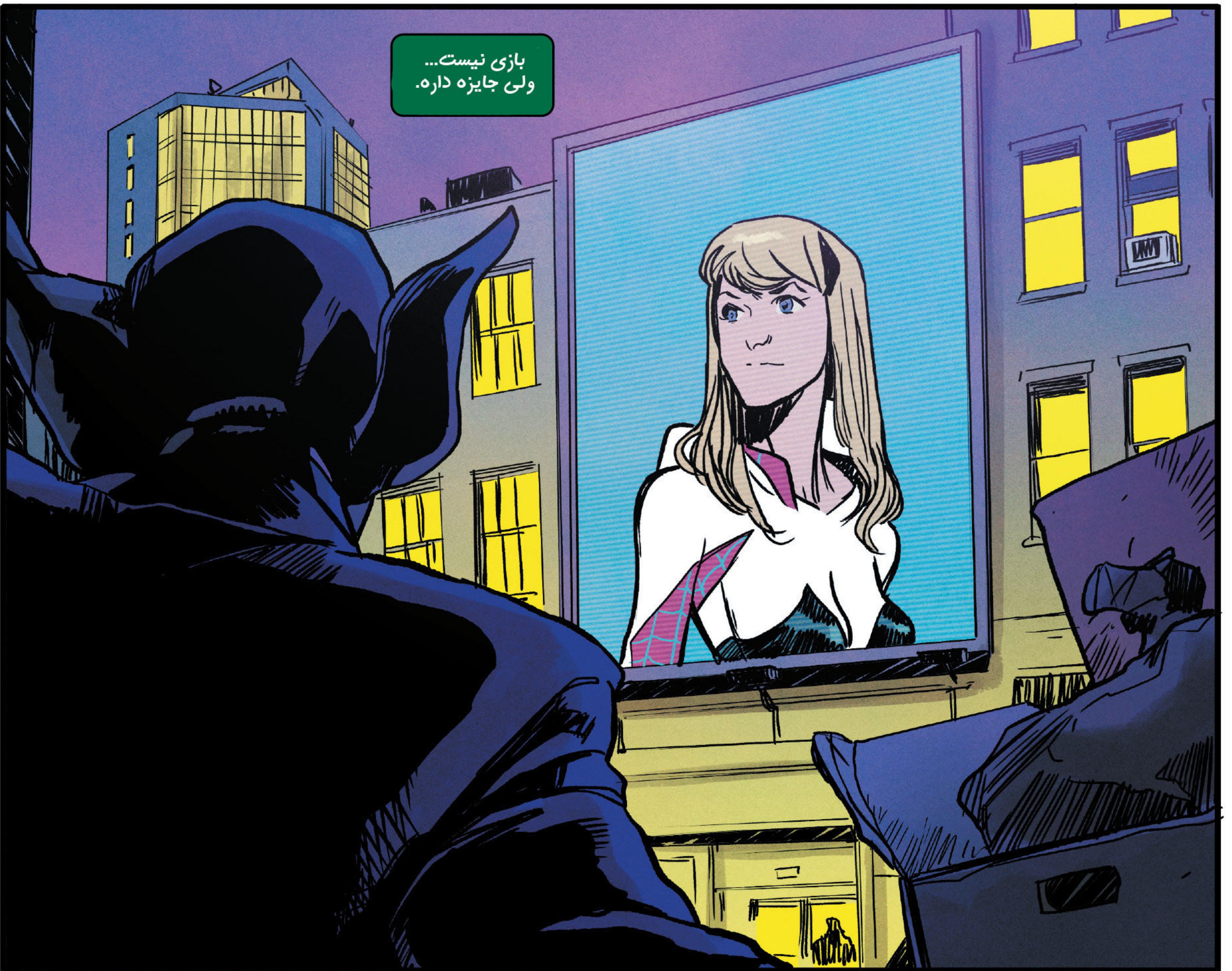
آخ. چطور هر
روز این کارو می کنه؟



حالت تهوع دارم...
سفر در ابعاد زمان و مکان
شوخی بردار نیست.



بازی نیست...
ولی جایزه داره.

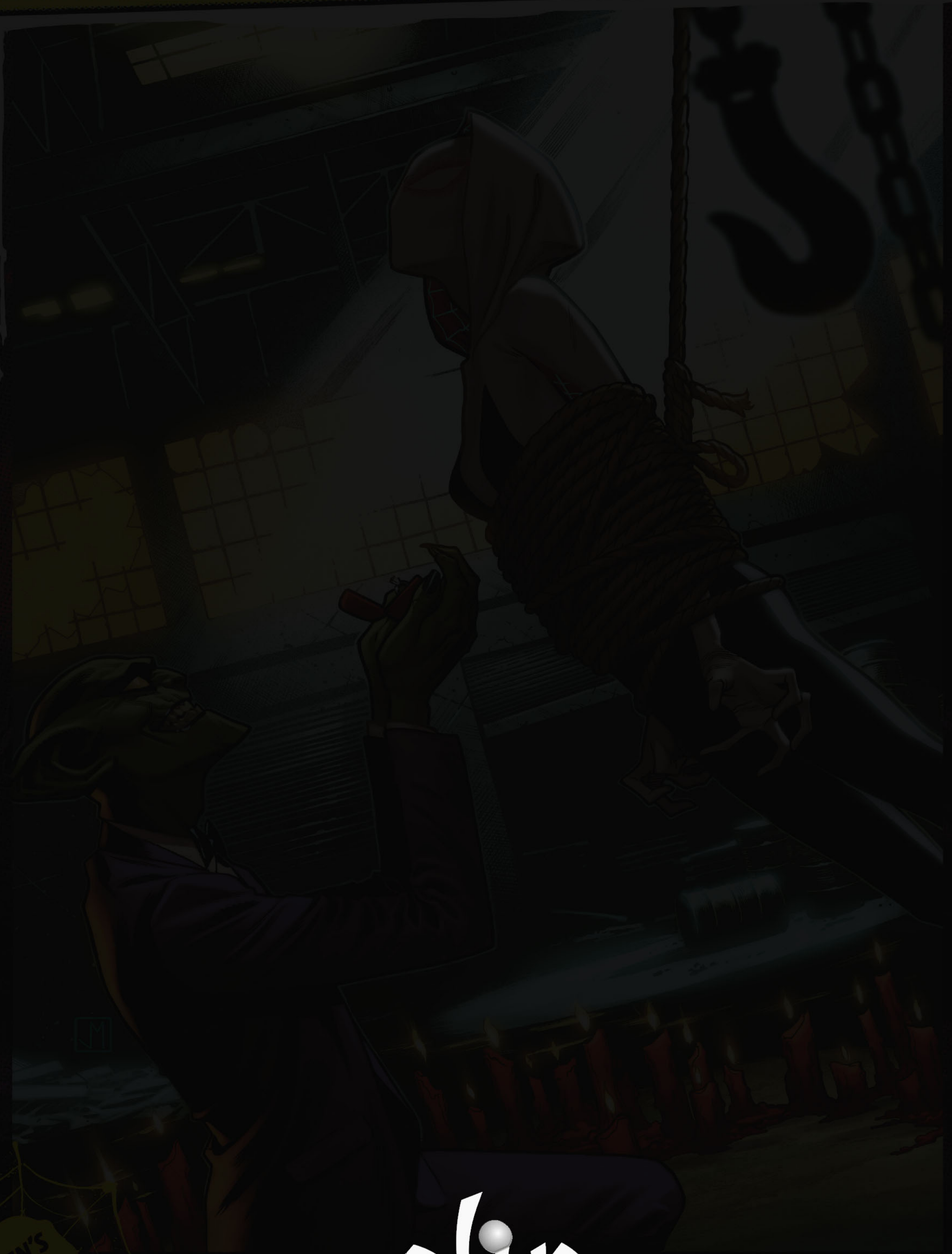


اوه خانم
استیسی.
چیکار داری
می کنی؟

ادامه دارد...



NEXT: #5



WHEN'S
IT
OUT?

دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی